

معناشناسی «انقاذ من النار» در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران با تأکید بر سیاق و سبب نزول

فاطمه صغری طالبزاده^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته تفسیر و علوم قرآن، مشغول به سطح چهار (دکتری) رشته تفسیر تطبیقی قرآن، فعال فرهنگی، پژوهشگر و مدرس حوزه و دانشگاه

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

تعدد معنای الفاظ، یک مساله رایج در زبان عربی است. در طیفی از واژگان قرآن، لفظ واحد به تناسب موضوع در آیات متعدد به معانی متعدد به کار رفته است. در میان پژوهش های قرآنی بازشناسی معنایی واژه ها و عبارات در ارائه نظرات جدید تفسیری بسیار راه گشا است. در این پژوهش که بر توصیف - تحلیل استوار است معنای عبارت «انقاذ من النار» در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران با استفاده از قاعده سیاق و دقت در اسباب النزول مورد واکاوی قرار گرفته است؛ با تبیین و تحلیل نظرات، این نتیجه به دست آمد که مفسران این عبارت را به دو گونه ظاهری و باطنی تفسیر نموده اند؛ در تفسیر ظاهری سه نظر: «(۱) نجات از آتش جهنم، (۲) نجات از آتش جنگ، (۳) ادغامی از هر دو نظر» مطرح گردید و در تفسیر باطنی «نجات از آتش شهبوات و نجات از اخلاق رذیله» مورد نظر بوده است؛ اما نظر مختار مقاله این است که تفاسیر باطنی قابل قبول نیستند زیرا معیارهای صحت معنای باطنی - دلالت های عرفی کلام و مستندات روایی - را دارا نمی باشند؛ لذا با توجه به تمامی قرائن می توان این گونه بیان کرد که معنای اصلی عبارت مذکور «نجات از آتش جنگ و خونریزی» است لذا از آنجا که نتیجه خودداری از جنگ و خونریزی، وحدت و دوستی بین مسلمانان است سرانجام آن به نجات از آتش جهنم منتهی می شود.

واژه های کلیدی: معناشناسی، انقاذ، سیاق، سبب نزول، تفسیر باطنی

مقدمه

شناخت قرآن برای هر فرد عالم و برای هر فرد مومن از آن جهت ضروری است که این کتاب در تکوین سرنوشت بشر موثر است. از آن جا که با توجه به تاریخ، هیچ کتابی به اندازه قرآن بر جوامع بشری و بر زندگی انسانها تاثیر نگذاشته است؛ تحکیم و وحدت میان جوامع انسانی بدون شناخت آیات قرآن میسر نیست.

براین اساس، قرآن اصول اندیشه‌هایی را که برای یک انسان با ایمان و صاحب عقیده لازم است و نیز اصول تربیت و اخلاق و نظامات اجتماعی و خانوادگی را در سوره‌های مختلف بیان کرده و تفسیر و توضیح آن را بر عهده سنت گذاشته است. سوره آل‌عمران سومین سوره قرآن کریم در ترتیب مصحف شریف است، دومین سوره از سوره‌های «طوال» است. این سوره مدنی است و طبق برخی روایات، این سوره در تورات «طیبه» نامیده شده است. (زرکشی، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۲۶۹) محور اصلی این سوره با توجه به فضای نزول این سوره و آیات آن، توحید است و با ذکر یکتاپرستی و ایمان آغاز گردیده است. (طبرسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۴).

در آیه ۱۰۳، سوره آل‌عمران، خداوند متعال مسلمین را از تفرقه و عداوت برحذر می‌دارد تا بدین وسیله از جنگ و دشمنی دور گردند و موجبات پیشرفت و تعالی آنان فراهم گردد تا به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند. یکی از راه‌های شناخت قرآن تامل در آیات و واژه‌های موجود در آن است. مفسران برای کشف مقصود خداوند ناگزیرند با استفاده از عقل اجتهادی - مصباحی و برهانی - چند گام بردارند؛ از جمله: یک) همه شواهد و قرائن درونی و بیرونی کلام (از آیات، روایات، شأن نزول، لغت و ...) را جمع آوری کنند؛ دو) قرائن و شواهد به دست آمده را اولویت بندی نمایند و هر کدام را در جای خود قرار دهند؛ سه) به جمع بندی ادله بپردازند تا در فهمش از مراد خداوند دچار خطا نشوند.

طبق بررسی به عمل آمده غیر از نظرات مفسرین ذیل آیه مورد نظر، مقاله‌ای در این موضوع یافت نشده است؛ لذا این مقاله درصدد است، به این سوال پاسخ دهد که معنای انقاذ از نار در آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران چیست؟ به نظر می‌رسد معنای انقاذ از نار نجات از آتش جنگ است که می‌تواند سبب دخول در آتش جهنم گردد. از همین رو با استفاده روش توصیفی - تحلیلی، با مراجعه به کتب تفسیری و با تأکید بر سیاق آیه و سبب نزول به این سؤال پاسخ داده است.

۱. مفهوم شناسی

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل‌عمران/۱۰۳)؛

و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام) چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن جا برگرفت (و نجات داد) این چنین خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شاید هدایت شوید. (طبرسی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۶۲)

حفره: حفر، کندن، حفره: گودال، زمین کنده شده (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۱۴)

انقاذکم: نقاذ به معنی نجات دادن است، انقاذ و استنقاذ نیز به همان معنی هستند. (ناصر علی عبدالله، ۱۳۸۰ش، ص ۵۱)

آذرتاش - آذرنوش، ۱۳۹۱ش، ص ۱۱۱)

شفا الشیء: به لبه و کناره چیز گفته می‌شود. «أشفی علی الشیء» بر لبه آن شیء قرار گرفت و بر آن مشرف شد. (ابن

منظور، ۲۰۰۵م، ج ۸، ص ۱۹۹)

سیاق در لغت: بافت، ریخت، ساختار، تسلسل و رشته معنا شده است. (آذرتاش - آذرنوش، ۱۳۹۱ش، ص ۴۸۸)

آن گونه که از ظاهر آیه برمی آید متعرض حکم جماعت مسلمین است به اینکه اعتصام به حبل الله داشته باشند، یعنی به آن رابطی که خدا و بندگانش را به هم وصل می کند؛ همان وحی الهی که از آسمان نازل می گردد. توضیح آن که بر اساس شأن نزولی که در کتب تفسیری ذکر گردید اختلاف و درگیری گسترده ای بین مسلمانان رواج داشت که بسیار موجب ایجاد کینه، دشمنی و اختلاف و درگیری می گردید. نوشته اند در دوران جاهلیت دو قبیله بزرگ در مدینه به نام «اوس» و «خزرج» وجود داشتند که بیش از یکصد سال! جنگ و خونریزی و اختلاف در میان آن دو جریان داشت، و هر چند وقت ناگهان به جان یکدیگر می افتادند و خسارات جانی و مالی فراوانی به یکدیگر وارد می کردند. یکی از موفقیت های بزرگ پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه، این بود که به وسیله اسلام صلح و صفا در میان آن دو ایجاد کرد، و با اتحاد آنها جبهه نیرومندی در مدینه به وجود آمد. اما از آنجا که ریشه های اختلاف فوق العاده زیاد و ریشه دار، و اتحاد بین آنها، تازه و جوان بود گاه بیگاه، بر اثر عواملی اختلافات فراموش شده شعله ور می شد، که خیلی زود در پرتو تعلیمات اسلام و تدبیر پیامبر (ص) خاموش می گشت.

در آیات ۹۸ الی ۱۰۱ همین سوره نمونه ای از بروز اختلافات را بر اثر تحریکات دشمنان دانا (یهودیان)، که برای پیشبرد مقاصد شوم خود غالباً دست به نقشه های مخفیانه و توطئه های پنهانی می زدند که در افراد غافل و بی اطلاع موثر واقع می شد. ولی این آیات اشاره به نوع دیگری از این اختلافات است که بر اثر غفلت دوستان نادان و تعصبهای جاهلانه به وجود آمد. روزی دو نفر از قبیله «اوس» و «خزرج» در برابر یکدیگر قرار گرفتند، و هر کدام افتخاراتی را که بعد از اسلام نصیب قبیله او شده بود برمی شمرد، ثعلبه گفت: خزیمه بن ثابت (ذو الشهادتین) و حنظله (غسیل الملائکه) که هر کدام از افتخارات مسلمانانند، از ما هستند، و همچنین عاصم بن ثابت، و سعد بن معاذ از ما می باشند. در برابر او اسعد بن زراره که از طایفه خزرج بود گفت: چهار نفر از قبیله ما در راه نشر و تعلیم قرآن خدمات بزرگی انجام دادند: ابی بن کعب، و معاذ بن جبل، و زید بن ثابت، و ابو زید، به علاوه سعد بن عباده رئیس و خطیب مردم مدینه از ما است. کم کار به جای باریک کشید، و قبیله دو طرف از جریان آگاه شدند، و دست به اسلحه بردند، در برابر یکدیگر قرار گرفتند، بیم آن می رفت که بار دیگر آتش جنگ بین آنها شعله ور گردد و زمین از خون آنها رنگین شود! خبر به پیامبر (ص) رسید، حضرت فوراً به محل حادثه آمد، و با بیان و تدبیر خاص خود به آن وضع خطرناک پایان داد، و صلح و صفا را در میان آنها برقرار نمود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۲۶)

آیات فوق در اینجا نازل گردید و به صورت یک حکم عمومی همه مسلمانان را با بیان مؤثر و مؤکدی دعوت به اتحاد نمود. خدا در میان دل های شما الفت ایجاد کرد و با این تعبیر، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام شده است، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را درست دقت کنیم که چگونه کینه های ریشه دار در طول سالهای متمادی در دل های آنها انباشته شده بود، و چگونه یک موضوع جزئی و ساده کافی بود آتش جنگ خونینی در میان آنها بیفزود مخصوصاً با توجه به اینکه مردم نادان و بی سواد و نیمه وحشی معمولاً افرادی لجوج و انعطاف ناپذیرند، و به آسانی حاضر به فراموش کردن کوچکترین مسائل گذشته نیستند، در این صورت اهمیت این «معجزه بزرگ اجتماعی» اسلام آشکار می شود، و ثابت می گردد که از طرق عادی و معمولی امکان پذیر نبود که در طی چند سال، از چنان امت پراکنده و کینه توز و نادان و بی خبر، ملتی واحد و متحد و برادر بسازند. (همان، ص ۳۰)

۲. دیدگاه مفسرین در معنای انقاذ من النار

با توجه به آنچه از سبب نزول آیه مذکور گذشت، نگاه و نظر مفسرین در معنای «انقاذ از نار» واکاوی می شود و با احصاء نظرات در کتب تفسیری، چهار دیدگاه به شرح ذیل طرح و بررسی می گردد:

۲-۱. نجات از آتش جهنم

برخی از مفسران نجات از آتش را به نجات از آتش جهنم معنا نموده و ذیل عبارت شریفه «وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» آورده اند که شما مؤمنین در زمان جاهلیت در شرف آتش جهنم بودید و به نعمت اسلام از آتش نجات یافتید.

غرض اینکه قدر نعمت اسلام را بدانید و با اتفاق و دوستی با هم علم اسلام را بلند کنید و نگذارید به مخالفت با هم آن ورق زمان جاهلیت شما عود کند و شیرازه اسلام را پاره کنید و برگردید به زمان جاهلیت. (بانو امین، ج ۳، ص ۲۰۷). شما به خاطر کفرتان مشرف بر وقوع در آتش جهنم بودید، زیرا اگر مرگ شما در آن حالت فرا می رسید هر آینه در آتش جهنم می افتادید. (حقی برسوی، بی تا، ج ۲، ص ۷۲).

در این جا مراد آتش است که این معنا ظاهر است و حمل حفره بر آتش جنگ بعید است. پس خداوند شما را از آتش به توسط محمد (ص) نجات داد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۶) «بین شما و جهنم جز مرگ فاصله ای نبود و خدا شما را از آن نجات داد به اینکه پیغمبر برایتان فرستاد که شما را به ایمان هدایت کرد تا با پذیرفتن دعوت او نجات یافتید و اینکه فرمود «فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» یعنی خداوند شما را از آن بیرون کشید. برای اینکه آنها غیر از کسانی بودند که در جهنم قرار داشته اند از این جهت که مستحق دخول در آن بودند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۶۲).

«شما به خاطر کفرتان مشرف به جهنم بودید به خاطر این که جهنم شبیه به حفره ای است که در آن آتش است، پس خداوند قرار داد استحقاق آنان به آتش به خاطر کفرشان پس خداوند نجات داد آنان را از این حفره ای که نزدیک شدن بر وقوع در آن. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۳۱۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۴۳۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۳۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۱؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۸۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۱؛ حسینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۶۶؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۶۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۳، ص ۱۸۹؛ بلاغی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۳؛ مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۲۰۲؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۴۴۲؛ خسروانی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۰۶).

صاحب التحریر و التنویر همین دیدگاه را با ادبیاتی دیگر توضیح می دهد که «اینجا مثالی است برای حالشان در زمان جاهلیت به گونه ای که بر هلاکت بودند و بنابر قول جمهور مفسرین آتش جهنم اراده شد و «شفا حفره» استعاره است زیرا استعاره معقول را به محسوس نزدیک می کند و نار حقیقی است. این امر بعید است زیرا جهنم حفره نیست بلکه عالم عظیمی است برای عذاب. و گفته شده منظور آتش جنگ است و این قول بعید است زیرا آتش جنگ در حفره واقع نمی گردد بلکه در سطح بالا واقع می شود تا کسی که دور است آن را ببیند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۱۷۷)

بر این اساس مفسرانی که مقصود از نار را آتش جهنم دانستند، علت دخول در آن را کفر و یا شرک می دانند و تأکید می کنند که نجات از آن آتش نیز توسط اسلام یا توسط حضرت محمد (ص) به وقوع پیوست.

۲-۲. نجات از آتش جنگ

نجات از آتش جنگ، یکی دیگر از معانی است که توسط مفسران، ذکر گردید.

آیت الله سید محمود طالقانی در تفسیر این آیه می نویسد: دشمنی‌ها و کینه‌ها و درگیری‌های اجتماعی، پدیده‌ای است ناشی از درون انسان‌هایی که مواهبشان عقب‌مانده و عقب‌رانده شده و رشد نیافته باشد. اینگونه درگیری‌های درونی و نفسانی، به تدریج درون را تهی می‌کند و گودال «حفره» عمیقی از جهنم می‌گردد که همه مواهب متعالی را به سوی خود می‌کشد و تکیه‌گاه‌ها و بناها و نهادهای انسانی و فطری را سست و بی‌پایه و مسیر حیات را متوقف می‌گرداند: «و كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ»، شما بر لبه و پرتگاه حفره آتش و آتشفشانی بودید که شعله و دود آن فضای روحی و اجتماعی را فرا می‌گیرد. (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۲۵۸).

و صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: شما در گذشته در لبه گودالی از آتش بودید که هر آن ممکن بود در آن سقوط کنید و همه چیز شما خاکستر گردد، اما خداوند شما را نجات داد و از این پرتگاه به نقطه امن و امانی که همان نقطه «برادری و محبت» بود رهنمون ساخت. با توجه به مجموع آیه چنین به نظر می‌رسد که نار کنایه از جنگ‌ها و نزاع‌هایی بوده که هر لحظه در دوران جاهلیت به بهانه‌ای در میان اعراب شعله‌ور می‌شد، قرآن مجید با این جمله اوضاع خطرناک عصر جاهلیت را منعکس می‌سازد که هر لحظه خطر جنگ و خونریزی آنها را تهدید می‌کرد و خداوند در پرتو نور اسلام آنها را از آن وضع نجات داد و مسلماً با نجات یافتن از وضع خطرناک گذشته از آتش سوزان دوزخ نیز نجات یافتند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۲)

۲-۳. آتش جنگ و جهنم

برخی بر این نظرند که «جمله» «فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ» حاکی است که قرآن ریشه دشمنی را بر انداخت نه اینکه اصلاح ظاهری کرد. «و كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» مراد از بودن در کنار آتش به نظرم «شرک» است یعنی علاوه از برادری و صلح، شما مشرک بودید و در لب گودال آتش آخرت قرار داشتید، که خدا نجاتتان داد ممکن است منظور از «نار» آتش جنگ باشد یعنی با یک جرعه آتش جنگ میان شما مشتعل می‌شد. «(قرشی بنایی، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۱۵۲).

و برخی دیگر می‌گویند: «این دو معنا قابل جمع است و مانعی ندارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد». (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۲۰۷).

علامه طباطبایی این طور توضیح می‌دهند که «شفای حفره»، به معنای لبه آن است، البته لبه‌ای که هر کس قدم بر آن بگذارد، مشرف بر سقوط در آن شود. و مراد از کلمه «مِنَ النَّارِ» یا آتش آخرت است و یا آتش جنگ. اگر منظور آتش آخرت باشد، در این صورت منظور از شفای حفره آن این خواهد بود که شما کافر بودید، و بین شما و افتادن در آتش دوزخ، بیش از یک قدم فاصله نبود و آن یک قدم همان مردن شما بود که از سیاهی چشم آدمی به سفیدی آن به آدمی نزدیک‌تر است و خدای تعالی شما را با ایمان آوردنتان نجات داد. و اگر مراد از آن «آتش» جنگ باشد، منظور این خواهد بود که حال آنان را در مجتمع فاسدشان بیان نموده، بفرماید شما قبل از ایمان آوردنتان در لبه آتش جنگ‌هایی قرار داشتید که هر لحظه ممکن بود برپا گردد. و این تعبیر یعنی آتش خواندن جنگ، استعمالی شایع دارد. البته استعمالی مجازی و به طور استعاره. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۳، ص ۵۷۲).

شاگرد مکتب علامه می‌نویسد: «آیه می‌گوید که به یاد آرید که در لبه پرتگاه دوزخ بودید و خدا نجاتتان داد، اکنون نیز در صورت ترک اعتصام به حبل خدا آن خطر هست. مراد آیه شریفه یا این است که شما بر اثر کینه ورزی و اختلاف به فکر شعله‌ور ساختن آتش جنگ بودید و خداوند شما را از شراره جنگ رهانید، یا اینکه پیامد کفر، جهنم است و میان شما که کافر بودید و سقوط در جهنم برزخی تنها مرگ فاصله بود و اگر در حال کفر می‌مردید، در آن سقوط می‌کردید از فراخوان به

بنانهادن اتحاد بر پایه مستحکم ایمان می‌توان استفاده کرد که همه ظلم‌ها و در لبه گودال آتش بودن‌ها در کفر کافران و کینه ورزی اختلاف کنندگان ریشه دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۲۱۷)

۴-۲. نجات از آتش شهوات و اخلاق رذیله

مفسرانی بر این نگاه اصرار دارند که این آیه به امری درونی و بطنی اشاره دارد لذا خطاب آیه را این گونه می‌دانند که: شما در عمق دریای غضب ازلی بودید و این به جهت امتحان بود نه حقیقی، پس خداوند شما را از آن نجات داد به خاطر صفت رضای الهی به جهت عنایت به شرافت شما و برگزید نیت شما را به خاطر معارف و کشفیات و آن به خاطر قول «سبقت رحمتی غضبی» خداوند است. و شما به خاطر انسان بودن تان در معرض سوختن به خاطر آتش شهوات بودید و خداوند از آتش شهوات شما را به نور معرفت نجات داد، و طعم شراب وصلش را به شما نوشاند تا اینکه در طلب زیاد شدن وصال برادر هم در طلب رضای حق گردید. (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۱۹۱).

اگر برخورد کنید به زمان جاهلیت که دستگاه شرک سرتاسر دنیا را احاطه کرده بود، بت پرستی، آفتاب و ماه و ستاره و آتش و گاو می‌پرستیدند و اخلاق رذیله از کبر و نخوت و حسد و عناد و عصبیت و غیر اینها در آنها چه اندازه رسوخ کرده بود و اعمال قبیحه از زنا و شرب و منهیات چه رواجی داشت و خداوند به برکت دین اسلام تمام آنها را نابود فرمود و توحید و اخلاق فاضله و اعمال حسنه را در آنها شایع فرمود. «فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا» به ادله واضح و معجزات باهره و مواعظ شافیه و بیانات وافیه تمام کثافات و پلیدیها را از بین برد. (طیب، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۳۰۵)

به یاد آورید نعمت خداوند را که به سبب توحید هدایت یافتند به جهت محبت در دل‌های تان و بخاطر اینکه محبوب به حجابهای نفسانی و پرده های طبیعت شدید، از نور جدا گشتید و شرک را پذیرفتید و همگی در ظلمت نفسانی افتادید و به سبب دوستی در راه خدا و نورانیت این دوستی، برادر دینی هم شدید. افتادن در طبیعت فاسقه است و محل حرمان و دوری عذاب گشتید و به وسیله وصل حقیقی بین شما به مقام روحانی رسیدید. (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۵)

۴-۳. نقد و بررسی تفسیر باطنی

در روایات معتبر و قابل اعتماد، باطن قرآن به دو گونه تعریف و دو نوع از معانی باطنی برای آیات معرفی شده است: الف) تاویل قرآن؛ یعنی معانی و مطالبی که خدای متعال فراتر از دلالت های عرفی کلام از حروف و کلمه ها و جمله ها و آیه های قرآن اراده کرده است و تنها راسخان در علم (پیامبر علیه السلام و امامان معصوم علیه السلام) از آن آگاهند و برای غیر آنان راه فهم آن معانی و مطالب منحصر به استماع و فراگیری از آن بزرگواران است. ب) کسانی که آیات به طور مستقیم در باره آنان نازل نشده است، ولی چون اعمال آنان مانند کسانی است که آیات در باره آنان نازل شده، مضمون آن آیات درباره اینان نیز جاری است.

نوع دوم از این معانی باطنی از دلالت های عرفی کلام خارج نیست؛ زیرا عقلا نیز در مورد کلام و قصه ای که مانند قرآن و قصه های آن برای عبرت و پند آموزی باشد، این گونه جری و تطبیق را انجام می دهند. اما در مورد نوع اول از معانی باطنی که از دلالت های عرفی کلام فراتر است. راه پی بردن به آن منحصر به فراگیری از پیامبر علیه السلام و امامان معصوم علیه السلام و استفاده از روایات معتبر آنان است و روایاتی مانند آنچه کلینی با سند متصل از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که «غیر از اوصیا هیچ کس نمی تواند ادعا کند ظاهر و باطن همه قرآن نزد او است» مؤکد این اختصاص؛ زیرا معانی و

- «عن ابی جعفر (علیه السلام) انه قال : ما يستطيع احد ان يدعی ان عنده جمع القرآن كله ظاهره و باطنه غیر الاوصیاء» (کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶، باب انه لم یجمع القران کله الا الائمه علیه السلام ...، حدیث ۲)

معارفی از قرآن که غیر اوصیا از فهم آن ناتوان اند، ظاهر قرآن نیست و از نوع معانی باطنی ای که در قالب دلالت های عرفی کلام می گنجد نیز نمی باشد، پس متعین است که برخی از معانی باطنی فراتر از دلالت های عرفی کلام باشد. (بابایی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۲۱)

معنایی را که مفسران تفسیر باطنی برای این آیات ذکر کرده اند، هیچ یک از دو معیاری را که برای صحت معانی باطنی آیات ذکر شده، ندارد؛ نه این آیات با یکی از دلالت های عرفی کلام، بر این معانی دلالت دارد و نه مستند به روایتی از پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است تا از معانی باطنی آیات به شمار آید؛ از این رو هیچ یک از این معانی را نمی توان مدلول آیات و مراد خدای متعال دانست و چنین تفسیری از آیات نوعی تفسیر به رأی است که هم در نزد عقلا مذموم است و هم در روایات سخت از آن نکوهش شده است.

۳. دیدگاه مختار

هر واژه یک معنای وضعی دارد که به عنوان هسته کلمه محسوب می شود و تا زمانی که واژه در جامعه زبانی به صورت کلمه باقی است ویژگی ذاتی واژه و ملازم آن است و نیز یک معنای سیاقی دارد که معلول کاربرد واژه و مترتب بر بافت سخن است. بر این اساس، از جمله قواعد اساسی تفسیر قرآن توجه به معنای سیاقی الفاظ در کنار معنای وضعی انفرادی آن است. از همین روی است که محمد اسعدی در تعریف سیاق، آن را شامل آهنگ و فضای سخن و قرائن درونی و بیرونی می داند که زمینه ظهور سخن در یک معنای خاص است و مقصود گوینده را فراهم می سازد. (اسعدی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۶۶).

بر همین اساس با توجه به سیاق آیه که در مورد نعمت اسلام و وحدت مسلمین سخن می گوید و با تأکید بر شأن نزول که در کتب تفسیری ذکر گردید؛ منظور از «انقاذ از نار» نجات از آتش جنگ و خونریزی می باشد. اما به دلیل آن که اختلاف و دشمنی موجب بروز کینه، کدورت، حسادت و گناهان دیگر می شود که دخول در آتش جهنم را در پی خواهد داشت می توان بین این دو تقدّم و تأخّر برقرار نمود و نتیجه و سرانجام وحدت و دوستی بین مسلمین را نجات از آتش جهنم دانست. پس می توان این گونه بیان کرد که با توجه به تمامی قرائن، معنای اصلی عبارت مذکور «نجات از آتش جنگ و خونریزی» است اما نتیجه خودداری از جنگ و خونریزی، وحدت و دوستی بین مسلمانان است که سرانجام آن نجات از آتش جهنم می باشد.

نتیجه گیری

با توجه به اقوال مفسرین شیعه و سنی در خصوص تبیین و تفسیر آیه ۱۰۳ سوره آل عمران، در معنای «انقاذ از نار» با تبیین و تحلیل نظرات، این نتیجه به دست آمد که مفسران این عبارت را به دو گونه ظاهری و باطنی تفسیر نموده اند؛ در تفسیر ظاهری سه نظر: «۱) نجات از آتش جهنم، ۲) نجات از آتش جنگ، ۳) ادغامی از هر دو نظر» مطرح گردید و در تفسیر باطنی «۱) نجات از آتش شهوات، ۲) نجات از اخلاق رذیله» مورد نظر بوده است؛ اما نظر نگارنده این است که تفاسیر باطنی قابل قبول نیستند زیرا معیارهای صحت معنای باطنی - دلالت های عرفی کلام و مستندات روایی - را دارا نمی باشند؛ لذا با توجه به تمامی قرائن می توان این گونه بیان کرد که معنای اصلی عبارت مذکور «نجات از آتش جنگ و خونریزی» است ولی نتیجه خودداری از جنگ و خونریزی، وحدت و دوستی بین مسلمانان است که سرانجام آن نجات از آتش جهنم می باشد.

قال الله عز وجل: «ما امن بی من فسر برأیه کلامی» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۸، کتاب القضاء، باب ۶، حدیث ۲۳)؛ عن ابی عبدالله^۲ علیه السلام قال: «من فسر القرآن برأیه ان اصاب لم یوجر و ان اخطأ فهو ابعد من السماء» (تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۷، حدیث ۴)

خداوند در این آیه به وحدت و قدردانی از نعمات الهی امر نموده است. جهت تحقق این امر پیشنهاد می شود؛ به تصحیح سبک زندگی خصوصا به فرهنگ کار جمعی پرداخته شود و به اختلافاتی که دشمن بین ما دامن می زند، اعتنا نکرده و به هوش باشیم و حواسمان جمع باشد که عرب و عجم، شیعه و سنی و رنگ پوست ها نباید بین ما تفرقه ایجاد کند. در میان مسلمانان در عمل به اسلام، در ایجاد برادری، باید اختلافات آنان را که از ناحیه آنها ما تهدید می کند شناسایی نموده و فریب نخوریم. در حج خانه خدا که هر ساله از سوی امت اسلامی تکرار می شود، رفتار خوب نشان دهیم، برادری و همدلی نشان بدهیم و از پیوند اسلامی میان خود و دیگر ملت ها برای نزدیکتر شدن دل ها استفاده کنیم. سلاح مهم ملت ها در مواجهه با ابر قدرت ها و حاکمان مزدورشان اتحاد و یکپارچگی است.

در مقابل دشمن سختگیر و با همدیگر مهربان باشیم، اگر دل را به قرآن سپردیم، مقاصد شخصی، اغراض شخصی، منافع مادی، قدرت طلبی، رفیق بازی موجب نخواهد شد که این توصیه های قرآنی و هدایت الهی را فراموش کند و از دست بدهد.

سعی کنیم که بهره ما فقط بهره فی المجلس و بهره ی گوش و چشم نباشد، دل ما بهره برد. قرآن برای عمل کردن است، معیار و محور معرفت و عمل ما است و هر مقدار که به قرآن عمل کنیم، همان قدر اثرش را خواهیم دید. راه نجات وحدت و الفت در میان جوامع خصوصا مسلمین جهان است همان عامل مستحکمی که در سایه ایمان و اعتقاد به رهبری واحد موجبات پیروزی و سعادت را برای همگان به همراه خواهد آورد.

منابع

۱. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ العربی، چ ۱.
۲. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی (تاویلات عبد الرزاق)، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، چ ۱.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۲۰۰۵م)، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چ ۴.
۴. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، چ ۱.
۵. ابوحیان، محمد بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر، چ ۱.
۶. اسعدی، محمد، و دیگران، (۱۳۸۹ش)، آسیب شناسی جریان های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۱.
۷. اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳ش)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: نشر داد، چ ۱.
۸. آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ ۱.
۹. امین، نصرت بیگم، بی تا، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی جا: بی نا، چ ۱.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثه، چ ۱.
۱۱. بقلی، روزبهان بن ابی نصر، (۲۰۰۸م)، عرائس البیان فی حقایق القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، چ ۱.
۱۲. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: وجدانی، چ ۱.
۱۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التاویل، بیروت: احیاء التراث العربی، چ ۱.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸ش)، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء، چ ۲.
۱۵. حقی برسوی، اسماعیل ابن مصطفی، (بی تا)، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، چ ۱.
۱۶. خسروانی، علیرضا، (۱۳۹۰ق) تفسیر خسروی، تهران: کتابفروشی اسلامی، چ ۱.

۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۵ش)، ترجمه المفردات فی القرآن، مترجم غلام رضا خسروی، تهران: انتشارات مرتضوی، چ ۲.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۷ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، چ ۱.
۱۹. زرکشی، بدرالدین، (۱۹۵۷م)، البرهان فی علوم القرآن، لبنان: دارالمعرفه، چ ۱.
۲۰. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف فی حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۳.
۲۱. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره)، چ ۱.
۲۲. طالقانی، محمود، (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴.
۲۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴ش)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، مترجم فراهانی، تهران، چ ۱.
۲۵. -----، (۱۳۷۵ش) ترجمه تفسیر جوامع الجامع، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، چ ۱.
۲۶. طیب، عبد الحسین، (۱۳۸۶ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه سبطين، چ ۱.
۲۷. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر، چ ۲.
۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
۲۹. قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چ ۲.
۳۰. قطب، سید، (۱۴۲۵ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق، چ ۳۵.
۳۱. قمی مشهدی، محمد، (۱۳۶۸ش)، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.
۳۲. کاشفی، حسین بن علی، (بی تا)، تفسیر حسینی، سراوان: کتابفروشی نور، چ ۱.
۳۳. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۸ش) ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب، چ ۱.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامی، چ ۱۰.
۳۵. میبیدی، احمد بن محمد، (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، تهران: امیر کبیر، چ ۵.
۳۶. ناصر علی عبدالله، (۱۳۸۰ش)، المعجم البسیط، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۲.